

بررسی و پاسخ به شبهه اقتباس قرآن کریم از تورات

محمد علی حقدل^۱

سعید عباسی نیا^۲

علیرضا غلام پور^۳

چکیده

بعضی از صاحب نظران مسیحی که عموماً از مستشرقان هستند با درک این حقیقت که مجموعه معارف قرآن برتر از فکر و اندیشه بشری است، و برای فرار از اعتراف به حقانیت قرآن و نزول وحی بر پیامبر اسلام (ص) شبهه «اقتباس قرآن از کتب آسمانی پیشین به ویژه تورات» را مطرح کرده و در اثبات مدعای خویش دلایل و شواهدی نیز ارائه کرده اند. این شبهه قدیمی را برای اولین بار به یوحنا دمشقی در قرن دوم نسبت داده اند و پس از یوحنا این شبهه به صورت گسترده تر و پیچیده تری مطرح شد که در ادعای مصادر یهودی، نصرانی، مجوسی و حتی هندی و فرعونی برای قرآن مشاهده شده است، این پژوهش در صدد تبیین این شبهه و پاسخ به آن است، بنابراین، ابتدا نظرات برخی از مطرح کنندگان شبهه نظیر مونتنگری وات، برنارد لوئیس، لوت، ریچارد بل و... مطرح شده و سپس پاسخ مقتضی به شبهات را ارائه می نماید. این مقاله اثبات نموده است که قرآن نه از تورات، بلکه از هیچ منبعی اقتباس نشده است و تنها کتاب آسمانی تحریف نشده است که از جانب خداوند به پیامبر خاتم نازل شده است.

واژگان کلیدی

قرآن، تورات، اقتباس، شبهه، مستشرقین، احادیث.

۱. دانشجوی دکتری گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران.

Email: Haghdelmohammadali2@gmail.com

۲. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Sa.abbasinya@iau.ac.ir

۳. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران.

Email: Gho.ali2198@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۳/۱۲

طرح مسأله

از قرون گذشته تا سده‌های اخیر، برخی با انگیزه‌های متفاوت و با اشاره به نظر بعضی از مستشرقان و خاورشناسان و با استناد به مشترکات قرآن با دیگر کتب آسمانی، شبهه اقتباس قرآن از کتب آسمانی گذشته به ویژه تورات را مطرح کرده و بدون دلایل محکم و متقن و گاه با استناد به برخی روایات و متون تاریخی ضعیف و شاذ و رها کردن محک‌های روشن و آشکار، سعی بر غیرالهی جلوه دادن قرآن کریم دارند. مستشرقانی چون مونتمگری وات، برنارد لوئیس، لوت، ریچارد بل، یوسف حداد، گایگر و برخی دیگر که علی‌رغم مشاهده عظمت و سطح عالی قرآن کریم با انگیزه‌های مختلف از اعتراف به نزول وحی طفره رفته و شبهه اقتباس قرآن از کتب آسمانی گذشته به ویژه تورات را مطرح نموده‌اند و به زعم خود، دلایل و شواهدی را در این مورد ارائه داده‌اند. تحریفاتی که در تورات صورت گرفته و تاثیر پذیری آن از فرهنگ زمانه، باعث شده که این نظریه توسط مستشرقان، به قرآن نیز سرایت داده شود و نظریه تاثیر پذیری و اقتباس قرآن از تورات و فرهنگ یهودیانی که زمان پیامبر(ص) در جزیره العرب زندگی می‌کردند، مطرح شود.

در سده‌های اخیر، خیلی از مستشرقان در ضمن کتابهای استشراقی خود و یا در اثرهای مستقل به این شبهه پرداخته‌اند. آبراهام گایگر^۱ خاخام و دانشمند آلمانی و بنیان‌گذار یهودیت اصلاحی را اولین کسی نام برده‌اند که در بین مستشرقان به تالیف کتاب در این زمینه دست زده است. وی در سال ۱۸۳۳ م در کتاب «محمد از متون یهودی چه چیزی را برگرفته است؟» (معارف، ۳۹۴: ۱۱۰) منبع قرآن را در توحید و روش بیان مطالب، یهودی معرفی کرد. در قرن نوزدهم میلادی دیدگاه گایگر سرلوحه نظریه‌های مربوط به مصادر قرآن شد و در راستای این موضوع، کتاب‌هایی نوشته شده است، برای مثال مفصل‌ترین اثری که با الهام از دیدگاه‌های گایگر در مورد منابع قرآن نگاشته شد، کتاب منابع اصلی قرآن اثر ویلیام کلیر تسدال می‌باشد (شاکر، ۱۳۸۹: ۱۲۶)؛ از جمله دیگر کتاب‌های نگاشته شده در این رابطه: «عناصر یهودی در قرآن» در سال ۱۸۷۸ میلادی، «پژوهش‌هایی نوین در

فهم و تفسیر قرآن» در سال ۱۹۰۲ میلادی از هاتویچ هرشفلد، «بازگویی های توراتی در بخش های قرآن»، تالیف اسرائیل شاپیرو، ۱۹۰۷ میلادی، «نام های یهودی و مشتقات آن در قرآن»، توسط زنونف هرونیس، ۱۹۲۵ میلادی. «داستان های کتاب مقدس در قرآن»، توسط هاینریش اشیاپر، ۱۹۲۵ میلادی، «اسلام تلاشی از سوی یهودیان»، تالیف حنا ذکریا می باشند. این تلاشها سپس به دایره المعارف اسلامی و دایره المعارف قرآن لیدن راه یافت.

در قرآن کریم در این باره آمده است: «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ: پس وای بر آن ها که کتاب را با دست های خود می نویسند سپس می گویند: این از جانب خداست، تا آن را به بهای ناچیزی بفرشند. وای بر آنها از دست نوشته هایشان و وای بر آنها از آنچه کسب می کنند.» (بقره: ۷۹) می توان گفت این آیه شریفه، مصداق کسانی است که دست به تحریف کتاب های آسمانی زده و الهی بودن آن ها را زیر سوال می برند. در مقابل این اقدامات مستشرقان غربی، برخی نویسندگان مسلمان در پی پاسخگویی برآمدند، از جمله: عبدالرحمن بدوی در کتاب «دفاع از قرآن» ترجمه حسین سیدی، کتاب «إشكال فهم» النص القرآنی فی الدراسات الاستشراقیه: الاستشراق الاسرائیلی انموذجیا» توسط م. احمد البهنسی پژوهشگر مصری متخصص در زمینه بررسی اسرائیلیات، نیز در مجله تخصصی «قرآن و مستشرقان» مقالات متعددی به نقد این مطلب اختصاص یافته است. همین نظریه تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ زمانه اعم از یهود و به ویژه در بُعد عناصر فرهنگ عرب جاهلی، به نوشته های نویسندگان معاصر اسلامی نیز کشیده شد و موافقان و مخالفانی پیدا کرد.

برخلاف این دسته از مستشرقان معاند، برخی مستشرقان با انصاف همچون توماس کارلایل ا. ر. اف، بودلی ام. ساواری، موریس بوکای، کارن آرمسترانگ و برخی دیگر نیز بوده اند که به پیامبر (ص) ایمان آورده و کتاب ایشان را وحی الهی دانسته اند.

شباهت ظاهری بسیاری از مفاهیم فقهی، اخلاق، قصص و... قرآن و سایر کتب آسمانی، دستمایه ای برای بیشتر این تهمت ها و شبهات می باشد. غافل از این که خاستگاه همه این ادیان یک خدا بوده و از یک چشمه جاری و ساری شده اند. از سویی دیگر باید

گفت که قرآن سراسر شباهت و همسانی نیست. در قرآن علی رغم وجود برخی شباهت‌ها، تفاوت‌های فراوانی نیز دیده می‌شود، که این منتقدان از آن عبور کرده‌اند. با مطالعه و تعمق در همه قرآن به عنوان یک مجموعه واحد، درمی‌یابیم که قرآن پس از بیان پاره‌ای شباهت‌ها، هنرمندانه دست به اصلاح و تنقیح زده است. گاه حقایقی را تایید می‌کند و گاه غبار انحراف و آلودگی را از کتب آسمانی دیگر می‌زداید و گاه نیز دست به نوآوری‌هایی می‌زند که تحسین مخاطب را برمی‌انگیزد. این پژوهش پس از ذکر دیدگاه صحیح در اثرپذیری و اقتباس، به بیان دلایل تاریخی و متنی آنها پرداخته و پاسخی در خور، استدلالی و متین به این شبهه ارائه شده است.

روش تحقیق

روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی و برپایه مراجعه به متون قابل دسترس از کتابهای مقدس، منابع دینی معتبر از جمله کتابخانه‌ای و فضای مجازی بوده و نتایج یافته‌ها به صورت یک مدل مفهومی، پایه فرضیه‌های این پژوهش قرار گرفته است و با در نظر گرفتن ابزارهای اثرگذار و بنابر آنچه ذکر شد، در تبیین اقتباس یا عدم اقتباس قرآن از سایر کتابهای آسمانی تلاش شده است

اهداف پژوهش

- ۱) بررسی و تحلیل ادعا و ادله مستشرقان مبنی بر اثرپذیری و اقتباس قرآن از تورات .
- ۲) پاسخ به شبهات مستشرقین مبنی بر اقتباس قرآن از تورات با استناد به منابع تاریخی، روایی و قرآنی .
- ۳) پاسخ به تاثیرپذیری قرآن کریم از فرهنگ زمانه .

پیشینه پژوهش

از قرن ۱۹ که تلاشهایی در جهت یهودی معرفی کردن مصادر قرآن توسط برخی از مستشرقین در کتابهای مختلف انجام گرفت، نویسندگان مسلمان در پی پاسخگویی به آنان برآمدند از جمله:

- عبدالرحمان بدوی در کتاب «دفاع از قرآن» ترجمه حسین سیدی، در مجله تخصصی

قرآن و مستشرقان؛ مقالات متعددی نیز به نقد این مطلب اختصاص یافته است؛ از جمله در شماره شش مجله، مقاله «بررسی تاثیرپذیری قرآن از فرهنگ زمان در نظر مستشرقان» توسط حسن رضا رضایی (۱۳۸۸). در برخی از کتابها «مثل البیان» آیت الله خوئی، نیز اشاره هایی به این مطلب شده است.

- مقاله «بررسی و نقد نظریه اقتباس قرآن از عهدین» نوشته علی اسدی، درباره دفاع از ساحت قرآن در برابر این نظریه است.

- مقاله «اقتباس قصص قرآن از عهدین؛ بررسی و نقد نظریه درّه حدّاد» توسط محمد علی رضایی اصفهانی در جهت نقد و بررسی این دیدگاه تالیف شده است.

از دیگر نمونه ها در این راستا می توان به این موارد اشاره کرد:

- کتاب «تاریخ یهود و آیین یهود، سابقه سه هزار ساله» تالیف اسرائیل شاهاک، ترجمه: رضا آستانه پرست

- کتاب «تحقیقی در دین یهود» نوشته جلال الدین آشتیانی، نویسنده به دور از استنادات قرآنی و روایی مسلمانان و با توجه به مستندات غربی ها به تدوین پرداخته است. از جمله پژوهش های عربی در این زمینه :

- کتاب «إشکالهم النص القرآنی فی الدراسات الاستشراقیه، الاستشراق الاسرائیلی - انموذجیا» توسط م. احمد البهنسی، پژوهشگر مصری و متخصص در زمینه بررسی های اسرائیلیات است که نویسنده در این کتاب با تحلیل معنایی «فهم» به رد ادعاهای مستشرقین یهودی مبتنی بر ایراداتی که از قرآن گرفته اند، پرداخته است.

- کتاب «آراء المستشرقین حول مفهوم الوحی» اثر ادریس حامد محمد، نویسنده در این کتاب نظرات مستشرقین یهودی و مسلمان و... را درباره وحی قرآن آورده است.

- کتاب «مصادر قرآن القرآن الکریم عند المستشرقین» اثر ا. د. صدرالدین کومش، نویسنده در این کتاب به بررسی مصادری که مستشرقین از آنها جهت غیرالهی جلوه دادن قرآن، استفاده کرده اند، پرداخته است.

متأسفانه در ایران تحقیقات جامع و مستقل که به صورت جامع و با زبانی شیوا و رسا به این موضوع پرداخته باشد، اندک بوده و لازم است که به این موضوع مستقلاً و با نگاهی به

نیاز روز و شبهات جدیدی که در این باره از سوی افراد مختلف با اغراض و نیت‌های مختلف ایراد می‌شود، پرداخته شود. همچنین باید در تحقیقات جدید، پیرامون یافتن تفاوت‌های قرآن و تورات، تلاش بیشتری صورت گیرد تا نکاتی که تا کنون از آنها غفلت شده است؛ در پرتو توجه عالمانه استخراج و رسیدن به هدف نهایی را تسریع بخشد.

تعاریف و مفاهیم

قرآن کریم: [ق] (ع مص) (quran) فراهم آوردن و گرد کردن چیزی را به چیزی گویند: قرأء الشیء قرأناً (از باب نصر و فتح). || بچه دادن حامل. گویند: قرأت‌الحامل قرأناً؛ بچه داد آن حامل (منتهی الارب) (ناظم الاطباء). || قرائت. قرء. خواندن (منتهی الارب). مترادف آن: کتاب الله، کلام الله، مصحف، فرقان. (دهخدا، فرهنگ لغات) قرآن کریم، کتاب آسمانی مسلمانان است که به وسیله جبرئیل به حضرت محمد (ص)، وحی شد. مسلمانان محتوا و الفاظ قرآن را نازل شده از سوی خداوند می‌دانند و معتقدند قرآن، معجزه و نشانه پیامبری حضرت محمد (ص) و آخرین کتاب آسمانی است. به باور مسلمانان کسی، نمی‌تواند کتابی مانند قرآن بیاورد و این نشانه معجزه بودن قرآن و پیامبری حضرت محمد (ص) است. خود قرآن هم بر الهی بودن و اعجاز خویش تأکید کرده و آوردن ماندی برای آن را ناممکن دانسته است (طور / ۳۴) اعجاز القرآن، یکی از علوم قرآنی است که دلایل معجزه بودن قرآن را بررسی می‌کند. (معرفت، ۱۳۷۹: ۳۶۳/۹)

در قرآن از موضوعات گوناگونی چون مسائل اعتقادی، اخلاق، احکام شرعی، داستان‌های گذشتگان، مبارزه با منافقان و مشرکان سخن به میان آمده است. برخی از مضامین مهم قرآن عبارت است از: توحید، معاد، رویدادهای صدر اسلام همچون غزوات پیامبر اسلام، قصص القرآن، احکام عبادی و حقوقی و جزایی دین اسلام، فضایل و رذایل اخلاقی و نهی از شرک و نفاق. (خرمشاهی، ۱۳۸۹: ۱۶۹)

تورات: (towaT) تورات کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان است. در آیات متعددی از قرآن درباره تورات سخن گفته شده و این کتاب را نازل شده بر حضرت موسی (ع) و کتاب آسمانی بنی اسرائیل معرفی کرده است. قرآن همچنین حضرت عیسی (ع) و حضرت

محمد(ص) را تأیید کننده این کتاب معرفی نموده است.

این کتاب شامل پنج سفر اول کتاب مقدس است، یهودیان این کتاب را نازل شده بر حضرت موسی(ع) می‌دانند. نام‌های متعددی برای این کتاب استفاده شده است اما با توجه به ارزش و جایگاه این کتاب‌ها به کل کتاب مقدس یهودی نیز تورات گفته می‌شود. به گفته برخی از پژوهشگران، نگارش ۳۹ کتاب عهد عتیق از قرن دهم تا قرن دوم قبل از میلاد یعنی پنج قرن بعد از وفات موسی(ع) بوده است؛ به هر حال مجموعه رسمی کتاب مقدس کنونی، تا روزگار مسیح و پس از آن، یعنی تا نیمه اول قرن دوم میلادی، شکل نهایی خود را بازنیافته بود. (توفیقی، ۱۳۸۵: ۲۳۰)

متن عهد قدیم در طول بیش از ۱۰۰۰ سال نگاشته و قدیمی‌ترین متون آن مربوط به ۳۵۰ سال بعد از موسی می‌باشد. تدوین بخش تورات؛ از قرن یازدهم ق.م آغاز گردید و حدود قرن ۴ ق.م به انتها رسیده است، مطابق آنچه در تاریخ یهود بیان شده است تورات مشتمل بر دو نسخه است:

۱) نسخه عبری، این نسخه به جز بخشی از آن به زبان عبری نوشته شده و مشتمل بر ۳۹ کتاب و شامل سه بخش است: تورات، کتب انبیا که خود شامل دو بخش انبیای متقدم و انبیای متأخر و بخش سوم مکتوبات است. نام تنخ اشاره به همین مطلب دارد.

۲) ترجمه سبعینیه به زبان یونانی. این کتاب برای یهودیان اسکندریه و به دستور حاکم مصر نوشته شد و دارای ۴۶ کتاب است، اما در نسخه عبری کتاب‌های اضافی موجود نیست. (سلیمانی، ۱۳۹۸: ۱۳۵)

اقتباس

اقتباس در لغت از ریشه ی «قبس» و به معنای گرفتن شعله از آتش و گرفتن علم و دانش و دادن آن است. (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۳/۱۴۳۳؛ ابن منظور، ۱۴۰۵: ۸/۱۳) و در اصطلاح یعنی مطلبی را از دیگری گرفتن و کسب نمودن است. (مصطفوی، ۱۳۷۱: ذیل ماده قبس)

توضیح آنکه شخص، محتوای ایده، مطلب و یا دانشی که متعلق به شخص قبل از خود است را با همان الفاظ یا همان محتوا با غیر آن الفاظ یعنی با الفاظ مربوط به خود در کتاب

یا سخن خود استفاده می‌کند که اگر نام صاحب اثر یا ایده را ذکر کند و به آن اعتراف کند مثبت و ممدوح و اگر آن را به نام خود اعا کند؛ منفی و از مصادیق سرقت ادبی می‌باشد. ادعایی که مدعیان اقتباس قرآن از تورات ادا می‌کنند؛ از نوع دوم می‌باشد.

اسلام شناسی مستشرقین

پیشینه اسلام شناسی مستشرقین، به دعوت پیامبر اسلام (ص) از پیروان همه‌ی ادیان برمی‌گردد، با این دعوت، عالمان مسیحی و یهود و گروه‌های مردم برای شناسایی دین جدید به مدینه آمدند، برخی از اسلام استقبال کردند و با نگاه خوش بنیانه‌ای، اسلام را صحیح فراگرفتند و برخی دشمنانه به پژوهش درباره اسلام پرداختند. سپس فتوحات اسلامی شروع شد. با گذشت زمان، اسلام، اعتقادات پیروان مسیح را به چالش کشاند. لذا مسیحیان برای متوقف ساختن روند اسلام‌گرایی، اقدام به برپایی جنگ فکری بر ضد مسلمانان کرده و از آن با عنوان اسلام شناسی یاد می‌کردند. در پی استقرار مسلمانان در نواحی مفتوحه‌ی شرق مدیترانه، روحانیون مسیحی با انتشار مطالب توهین آمیز در مورد اسلام و تدوین آثار جدلی به زعم خویش، درصدد برآمدند تا مانع از تسلط سیاسی اسلام به باورهای دینی مسیحیان شوند. «به اعتقاد نورمن دانیل، نارواگویی به اسلام که بعدها به صورت سنت مسیحی درآمده از قبل، توسط متکلمانی نظیر یوحنا دمشقی باب شده بود» (همتی گلیان، ۱۳۸۶: ۳)

در قرن هشتم میلادی (دوم هجری) و زمان خلافت امویان، عالم مسیحی، یوحنا دمشقی اولین مسیحی بود که رسماً اقدام به اسلام شناسی نقادانه و مغرضانه نمود و کتاب‌هایی در رد اسلام نوشت. او به عنوان یک مسیحی شرقی و غیر مسلمان در واقع آغازگر جریان ضد اسلامی استشرق تبشیری است که نقد اسلام شناسی را شروع کرد. (همان: ۱۹) یکی از مهمترین ویژگی‌های این دوران اقدام کلیسا به ترجمه‌ی قرآن از زبان عربی به لاتین بود که در قرن ۱۲م رخ داد. پدر روحانی «پطروس مبدل محترم» در سال ۱۱۴۳م. اقدام به اولین ترجمه‌ی قرآن به زبان لاتین کرد. وی پس از دو سفر به اندلس اسلامی و مشاهده‌ی تأثیرپذیری مسیحیان از فرهنگ و دانش مسلمانان دریافت که برای نبرد با پیشروی اسلام نمی‌توان از اسلحه استفاده کرد؛ بلکه باید عالمانه از حکمت و دانش و

استدلال قوی و عنصر محبت در مسیحیت بهره گرفت و انجام این نبرد علمی در گرو شناخت عمیق اندیشه های دشمن است. (زمانی، ۱۳۸۶: ۸۸) به گفته بلاشر با این که این کار بیش از ترجمه به تلخیص شباهت داشت، ولی مسیحیان تا حدود پنج قرن در مشاجرات خویش با مسلمانان چه مستقیم و چه غیر مستقیم از آن استفاده می کردند (بلاشر، ۱۳۷۶: ۲۹۱) در سده ی ۱۱م/۵ق با تفرقه ی سیاسی مسلمانان، جنگ های صلیبی آغاز و به مدت دو بیست سال به طول انجامید. در این میان نکته ی مسلم آن است که به طور کلی در طی این جنگ ها و تماس های ناشی از آن ها، درک غربی ها از اسلام چندان بهبود نیافت و آنان عنایت عالمانه به فرهنگ و تمدن اسلامی نکردند، با این وجود، اروپائیان از برخی تألیفات مسلمانان و تمدن و هنر پیشرفته ی آنان بهره مند شدند. (همتی گلپان، ۱۳۸۶: ۲۵)

غرب که در دو قرن اخیر اهداف و نیت خود را از اعزام جاسوسان به کشورهای شرقی به ویژه اسلامی- عربی در پس واژه ی زیبای «استشراق»- که حامل بار ارزشی دانش شرق شناسی است- پنهان کرده بود؛ در دهه های اخیر احساس کرد که این واژه نزد شرقیان به ویژه مسلمانان عرب دارای مفهوم منفی آلوده به خیانت و توطئه و جاسوسی است تا جایی که واژه ی «استشراق» نزد آنان معادل «استعمار» شد. مثلاً مستشرق بزرگ فرانسوی «دانیال ریگ» پس از نقل نفرت مسلمانان و اعراب را از این واژه، پیشنهاد می دهد که واژه ی دیگری جای گزین آن شود مانند «عرب شناسی»، علاوه بر آن در ساختار و روش های شرق شناسی نیز تجدید نظر شود.

دکتر محمد خلیفه حسن، استاد دانشگاه ریاض می نویسد: «همین انگیزه باعث شد که واژه های بدیل را طراحی کرده و جای گزین مستشرق نمایند؛ مانند واژه های Islamicist، Akabicist، متخصص در خاورمیانه، متخصص در مطالعات منطقه ای مانند africanicist، و ...»

مستشرقان حتی نام همایش های بین المللی را که از سال ۱۸۷۳م هر چند سال یکبار به طور منظم، به نام استشراق برگزار می کردند را تغییر دادند. آن ها در بیست و نهمین همایش در پاریس در سال ۱۹۷۳م اتفاق نظر پیدا کردند که نام استشراق را از این همایش ها بردارند و آن را ملغی کنند و نام آن را به «المؤتمر للعلوم الانسانیة» حول آسیا و شمال

آفریقا تغییر دادند و بعد از دو همایش دیگر به طور کامل به نام «المؤتمر الدولي للدراسات الآسیویه و الشمال آفریقیه» تغییر یافت. (مطبقاتی، ۲۰۰۵ م)

استشراق علمی

قرن بیستم را می‌توان آغاز استشراق علمی دانست که با شروع آن، نظرات مستشرقان نسبت به اکثر مسائل اسلامی و قرآنی دچار تغییر و تحولات بسیاری شده است. پذیرفتن متن قرآن به عنوان متن دینی، تغییر نگرش نسبت به مسأله جمع آوری احادیث و... در مجموع نشانگر تحولاتی مثبت در جهت سیر به اعتدال است؛ البته حساب مستشرقان مغرض از بقیه آن‌ها جداست. (دسوقی، ۱۳۸۰: ۱۰۷-۱۱۹) این رویکرد، رویکردی جدید به حساب می‌آید. هرچند اعتراف به این که قرآن یک متن دینی است؛ الزاما به مفهوم پذیرش وحیانی بودن آن از سوی مستشرقین نیست.

اکثر مطالعات پیشین نسبت به قرآن، این کتاب را مجموعه‌ای است از خرافه‌ها و داستان‌های نادرست و خیال‌بافی‌ها و خیال‌پردازی‌ها و مانند آن معرفی می‌کردند. اما این رویکرد به تدریج تحلیل می‌رود و به جای آن نگاه منصفانه به قرآن تقویت می‌شود و در قرن بیستم و به ویژه نیمه‌ی دوم قرن بیستم، در یک نگاه پدیدار شناسانه، قرآن به عنوان کتاب مقدس شناخته می‌شود؛ به این معنا که مسلمانان می‌گویند قرآن کتاب مقدس ماست، پس ما هم می‌پذیریم که به عنوان کتاب مقدس به قرآن نگاه شود.

پس از گسترش و استقرار اسلام در پهنه وسیعی از سرزمین‌ها، بالطبع از شدت حملات و دشمنی‌ها علیه آن و قرآن کریم کاسته شد. برتری سیاسی، نظامی و به ویژه علمی دنیای اسلام در حدود هفت قرن پس از ظهور آن، مجال چندانی برای مبارزه و معارضه فکری و نظامی دشمنان با آن نگذاشته بود. همزمان با افول قدرت امپراطوری اسلام و شروع جنگ‌های صلیبی اسلام و مسیحیت، دنیای غرب آشنایی بیشتر و عمیقتر با اولین و قویترین تهدید خود یعنی اسلام و قرآن را به خوبی حس کرد. گرچه قبل از آن مسیحیان و یهودیان، به ویژه آنان که درسازمین‌های اسلامی زندگی می‌کردند، از طریق مکالمات و گفتگوهای

کلامی با هم ارتباط داشتند. ریچارد سی مارتین^۱ در این باره می‌گوید: «از میان جدل‌های کلامی طی قرن‌های هشتم تا یازدهم بود که مرزهای جدا کننده یهودیان، مسیحیان و مسلمانان گسترش یافت. (مناظرات) کلامی غالباً در ملاء عام یا در حضور خلیفه یا یکی از مقامات بالا برگزار و به وسیله (متکلمین) برای اسکات فرّق گوناگون رهبری می‌شد. نسطوریان، مونوفیزیت‌ها و مسیحیان ارتودکس (همچنین سامریان، قرائین و ربیون یهودی) در اوائل قرون وسطی، تماس کمی با امپراتوری مقدس روم و مسیحیت غربی داشتند. (ذمیها)، مسیحیان شرقی و یهودیان در مراسم اجتماعی، گفتگوهای عمومی و مناظرات با مسلمانان (و با یکدیگر) شرکت می‌کردند؛ این کار نیازمند آگاهی از عقاید اسلامی اگرچه برای رد کردن آن بود» (مارتین، ۱۳۷۷: ۱۹-۲۰)

شبهات مستشرقین درباره قرآن

اعجاز خارق العاده قرآن همچنان که دل‌های آماده و حقیقت‌جو را به خود جذب کرد؛ موجب بهت و حیرت دل‌های لجوج و عنود هم شد. این که چطور می‌شود جوانی امی و درس‌نخوانده و چوپان در محیط بدوی عربستان چنین آیات دل‌پذیری بیاورد؛ برای عده‌ای قابل درک نبود؛ لذا مصادر داخلی، یعنی فرهنگ رایج و افسانه‌های جاهلی درون شبه جزیره و مصادر بیرونی، همچون مفاهیم شفاهی و یا کتبی برای قرآن در نظر گرفتند. بعدها همین اتهامات بی‌مایه، دستاویزی برای پرورش این شبهه شد و به یک نظریه به اصطلاح علمی، دانشگاهی تبدیل گردید. در این میان عده‌ای، پیش‌فرض‌های خود را بدون نقد عالمانه اصل و غیرقابل‌خداشه در نظر گرفته و پیرامون آن قلم‌فرسایی کرده و قرآن را برگرفته و مقتبس از سایر ادیان مثل تورات و انجیل و خصوصاً فرهنگ یهودی و مشخصاً کتاب تورات دانستند. (عامری، ۲۰۱۰م: ۳۶)

قائلان به اقتباس قرآن از تورات، تأیید یا اصلاح بعضی از آداب و رسوم ادیان گذشته که منشاء الهی داشته و یا در پیروان آن ادیان و یا در فرهنگ اعراب جاهلی موجود بوده و ریشه در عقل و فطرت هم داشته، را نشانه متأثر شدن از فرهنگ یهود و تورات می‌دانند که

۱. استاد دانشکده دین در دانشگاه اموری در آتلانتای آمریکا

این خطاست. مدعیان شبهه اقتباس به پیامبر اکرم (ص) اتهام وارد می‌کنند که ایشان با وام‌گیری و برداشت از مفاهیم و آموزه‌های یهود، کتاب مقدس و تورات، آن را کلام خدا می‌داند. مطالعات ادیان و کتب آسمانی توسط مستشرقان همواره با رویکرد تاریخی، زبان‌شناسانه (نویورت، ۱۳۹۳: ۱۲۸) و دو منبعی خواندن همراه بوده و آنها و رای تصور مسلمانان که با انگاره وحی الهی به سراغ قرآن کریم می‌روند به قرآن به دید یک کتاب در ظرف زمانی خود نگریسته و آن را به عنوان یک میراث فرهنگی مورد نقد قرار می‌دهند. آنها عاجز از درک و هضم وحی الهی با دیدن سبک عالی، مضامین خارق العاده و فراتر از ذهن بشری، از اعتراف به الهی بودن آن سرباز زده و برای آن مصادری در نظر گرفته‌اند؛ اثر‌پذیری از فرهنگ زمانه، اخذ از اشعار جاهلی، اخذ از آئین صابئین، تاملات و تصاویر شخصی پیامبر (ص) و اقتباس قرآن از عهدین از جمله مواردی است که خاورشناسان به عنوان مصادر قرآن بیان کرده‌اند. (ایازی، ۱۳۸۰: ۱۵۰)

در فرهنگ مطالعات استشرافی، اقتباس یعنی اخذ و برداشت محمد بن عبدالله پیامبر اسلام، از کتابهای دیگر ادیان، به خصوص کتاب مقدس یعنی تورات و انجیل؛ به این معنا که قرآن، وحی - یعنی فرو فرستاده از جانب خدا - نبوده، بلکه سرقت ادبی و رونویسی از کتاب مقدس و تورات است. این شبهه، محور غالب مطالعات قرآنی در غرب است و به گفته برخی از مستشرقان، یک اصل پذیرفته شده در بین پژوهشگران غربی در حوزه اسلام‌شناسی و قرآن پژوهی است؛ که در آن، جای هیچ گونه تردید نیست. با واکاوی تاریخی، روشن می‌شود اتهام زنی به قرآن و پیامبر اسلام (ص) از زمان نزول قرآن کریم همواره مطرح بوده و یک امر جدید و تازه نبوده است. در صدر اسلام، یکی از اتهامات مشرکان به قرآن «اساطیر الاولین» خواندن آن است که مکرر در قرآن کریم آمده و بیان‌گر پندار واهی کفار درباره قرآن کریم است. واژه «اساطیر» به معنای داستان‌هایی است که هیچ ریشه و اساسی ندارند یا آمیخته به غلو و خرافه‌ان؛ اما از نظر قرآن، این واژه به کتاب‌های پیشینیان، از جمله کتاب‌های یهود و نصاری که در آن دوران رواج داشته است نیز اشاره دارد - وَقَالُوا اَسَاطِيرُ الْاُولٰٓئِنَا اَكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمَلٰى عَلَيْهِ بُكْرَةٌ وَاٰصِيَالًا - (فرقان/۵) ریچارد بل می‌گوید: «ادعای محمد، دایر بر اینکه پیامبر و فرستاده خداوند است و از جانب او وحی و پیام دریافت کرده

تا همونعان عربش را به اسلام دعوت کند، تقریباً از همان آغازی که مطرح شد، مورد تخطئه و انکار قرار گرفت. از خود قرآن درمی یابیم که مشرکان مکه قرآن را اساطیر الاولین می نامیده اند و یهودیان مدینه نیز ادعای نبوت حضرت را مسخره می کرده اند. محققان مسیحی، این رد و انکار را از پیشینیان فرا گرفته اند. در اروپای قرون وسطی این برداشت، برداشتی جا افتاده و مقبول بود که محمد(ص) پیامبری دروغین است که وانمود می کرده است از جانب خداوند به او وحی می شود. (بل، ۱۳۸۲: ۹۳)

پاسخ به شبهات

مخالفان نظریه اقتباس صرف مشابهت برخی آیات قرآن کریم با تورات را دلیل بر اقتباس نمی دانند. چرا که این مشابهت ها دلیل بر منشاء و حیانی ادیان می باشد. افزون بر آن آنها، پیش فرض هایی که به اقتباس منتهی می شود؛ بنا بر دلایل متقن عقلی، تاریخی، علمی و... سست و بی مایه می باشد. مدعیان اقتباس به هیچ دلیل محکمی استناد نمی کنند. علاوه بر آن بنا بر اعتراف خود دانشمندان غربی متن تورات مملو از اشتباهات تاریخی و متنی می باشد. و قرآن نیز با تورات در خیلی از جهات تفاوت هایی عمده دارد چرا که تورات تحریف شده و انگاره بشری بودن متن آن همواره در تحقیقات بی طرفانه علمی مطرح می شود. در قرآن موارد متعددی از تصحیح تورات به چشم می خورد که نشان از رسالت قرآن در هدایت امت های گذشته دارد.

در خصوص احصاء دیدگاه صحیح در اثرپذیری و اقتباس قرآن از تورات و نیز دلایل تاریخی، متنی و محتوایی مدعیان شبهه اقتباس قرآن از تورات، گفته شده که از دلایل اصلی بروز این شبهه، وجود برخی از مشابهت ها میان قرآن کریم و تورات و دیگر کتب آسمانی به دلیل خاستگاه مشترک آنهاست، اما اثرپذیری و اقتباس اگر به معنای این باشد که مراحل بشری در این اثرپذیری و اقتباس دخالت دارد، قابل قبول نیست، چرا که و حیانی بودن قرآن به هزار و یک دلیل قابل اثبات است؛ ضمن اینکه تصحیح و نوآوری های قرآن و رابطه آشکاری که میان آن ها برقرار می باشد، ما را به این نتیجه می رساند که اقتباس و اثرپذیری در کار نبوده است و از سوی مستشرقان معاند هیچ گونه دیدگاه صحیح مبنی بر این ادعا وجود ندارد.

به نظر می‌رسد که پندار وجود ترجمه عربی تورات، در دسترس بودن تورات، سفرهای پیامبر(ص) و معلمان مزعوم از اهم دلایل مدعیان اقتباس باشد که با دلایل روشن و متقن مبنی بر اثبات امی بودن، عدم یادگیری قرآن توسط پیامبر از سوی معلمان یاد شده، عدم وجود ترجمه عربی تورات، و عدم شناخت صحیح و جامع از تورات توسط یهودیان عرب قبل از اسلام، ادعای اقتباس باطل می‌شود. از این رو این دلایل تاریخی، نامعتبر و باطل است.

دلایل متنی یا محتوایی مدعیان شبهه اقتباس قرآن از تورات، بسیاری از احکام و آموزه های مشترک اخلاقی، احکام مشترک، تاریخ و قصص پیشینیان در تورات و قرآن است. درواقع، مستشرقین با پژوهش‌هایی که بر روی آموزه های قرآن و تورات انجام داده اند، به این نتیجه رسیده اند که بین باور و آئین قرآنی با باور و آئین توراتی، نزدیکی بسیاری وجود دارد که شامل: تاریخ و قصص پیشینیان، نزدیکی در درک از خدا، نگرش به آغاز جهان، آفرینش انسان، روش زندگی، رابطه میان زن و مرد، رابطه انسان با خدا، رستگاری انسان، وظیفه و مسئولیت انسان، نقش زن و... است. با وجود این تفاسیر، به نظر می‌رسد آموزه های مشابه، حتماً خاستگاهی مشترک در مضامین و آموزه ها و احکام در دل خود دارند، اما با توجه به این آموزه های مغایر و تورات تحریف شده، نوآوری‌هایی در آموزه‌ها، نوآوری‌هایی در احکام و نیز نوآوری‌هایی در حوزه اخلاق صورت گرفته است که می‌توان نتیجه گرفت که ادله متنی و محتوایی هم، ادعای مستشرقین را مبنی بر اقتباس قرآن از تورات اثبات نمی‌کند. در واقع باید گفت که مکتوبات پریشان و ناهماهنگی که بنا بر اعترافات خود محققان غربی، توسط نویسندگان بشری و با تاریخ نامعلوم و حاوی معانی سبک، زشت و گاه مبتذل، نگاشته شده، نمی‌تواند منبع و مصدری برای کتابی قرار بگیرد که مایه ی اعجاب و تحسین جهانیان - حتی خود محققان غربی - شده و در زیبایی، ملاحه، فصاحت و بلاغت، کتابی هم سنگ آن نیست.

این دلایل متنی و محتوایی، عبارتند از پیش فرضهای مدعیان اثرپذیری و اقتباس قرآن از تورات که با روشن شدن نادرستی آنها با دلایل و محکمت تاریخی، منطقی و علمی به باطل بودن کل این ادعا پی می‌بریم.

پیش فرض های مستشرقان به چهار دسته کلی تقسیم می شود:

الف) سواد داشتن پیامبر اسلام: به گواه قطعی تاریخ و تصریح اکثر مورخان از ملل مختلف و اعتراف بسیاری از مستشرقان و از همه مهمتر، نص قرآن کریم، پیامبر اسلام (ص)، امی (به معنای درس نخوانده) بوده اند، چه آنکه عالمانی مانند یحیی بن معین (م. ۲۲۳ ق)، ابو حیان اندلسی (۱۴۲۲ق) و ابن منظور (۱۴۱۴ ق) امی را منسوب به ام یعنی مادر و به معنای زاده شده بر همان سرشت اولیه از مادر و نداشتن سواد خواندن و نوشتن می دانند.

ب) در دسترس بودن ترجمه عربی کتاب مقدس: باید گفت که اگر چنین ترجمه و کتابی موجود بود، دشمنان پیامبر اسلام (ص) در لیست بلند اتهامات خود بر ضد ایشان، آن را نادیده نمی گرفتند و وی را به بهره گیری از آن متهم می کردند. چه آنکه قدیمی ترین ترجمه عربی عهد عتیق، ترجمه خاخام سعدی الفیومی است. (عامری، ۲۰۱۰ م: ۵۱۶) او به تفاوت ثابت در شیوه و سبک ادبی بین ترجمه های متأخر عربی کتاب های عهدین استدلال کرد. اینکه آنها متعلق به یک ترجمه عربی باستانی قبل از اسلام نیستند؛ بلکه ترجمه های متأخر از ریشه های زبانی مختلف (سپتواگنت، فولگیست، سریانی و قبطی) هستند (همان). محقق مسیحی مصری «آلبرت استرو» در پایان پایان نامه دکترای خود در مورد (ترجمه عربی) که توسط «ابن قتیبه» در نقل قول های خود از کتاب مقدس اقتباس شده بود، نتیجه گرفت که ترجمه های عربی کتاب مقدس ممکن است در آخرین دوره حکومت امویان، در آغاز قرن هشتم پدید آمده باشد. (همان: ۲۳۰)

ج) پیامبر اسلام، محتوای کتاب مقدس را از طریق آنچه بر زبان یهود شایع بود به دست آورد: در این خصوص به گواه مورخان در زمان نبوت پیامبر اسلام، هیچ قبیله ی یهودی در مکه نبود و قبایلی یهودی را هم که در مدینه نام می برند، خود یهودیان آنها را به یهودی بودن قبول نداشتند؛ چرا که افکار آنها طبق شریعت یهود و اعمالشان طبق احکام تلمود نبود. (اسرائیل ولفنسون ۱۹۲۷م: ۱۳) کاسکیل می نویسد: عرب یهود هرگز واقعی نبودند، بلکه فقط خود را شبیه یهودیان کرده بودند (جواد علی، ۱۹۷۰م: ۶۵-۳۰) و می گوید: یهودیان جزیره عرب به هیچ یک از اصول یهودیت پایدار نبودند. (سالم الحاج، ۲۰۰۲م:

۱۲۸۷) پس، وقتی یهودیان عرب قبل از اسلام نه معرفت درستی از معارف و شرایع یهودیان داشتند و نه به آن معارف پایبند بودند، چگونه می‌توان همه معارف و شرایع و قصص قرآنی را متأثر از آن‌ها دانست؟

د) پیامبر اسلام، بی سواد(امی) بود اما تحت تعلیم معلمانی این علوم را فرا گرفت: بنا بر آنچه از زندگی پیامبر اسلام در تاریخ روایت شده است. ایشان قبل از بعثت بجز ملاقاتی با بحیرا، راهب مسیحی و در حضور عموی خویش در سن ۱۲ سالگی، ملاقاتی با علمای یهود و نصاری نداشته است؛ آن هم دیداری کوتاه و سریع به این صورت که بحیرا به ابوطالب اطلاع می‌دهد که نبوت را در چهره محمد(ص) دیده است و هیچ گزارشی از انتقال معارف به ایشان در تاریخ وجود ندارد. و جالب است که از بحیرای راهب، جز در این داستان، در هیچ کجای تاریخ اطلاعاتی وجود ندارد؛ تا آنجا که دایره المعارف مختصر اسلام مجبور شد درباره اصالت کل داستان بگوید که بر این داستان کلید گشایشی نیست؛ همچنین درباره تأثیرپذیری پیامبر(ص) از ورقه بن نوفل در آستانه بعثت، نقل گزارش‌های متفاوت، بر ساختگی بودن آن دلالت می‌کند. برای مثال در یکی از نقل‌ها بیان می‌شود که ورقه بن نوفل، پیامبر(ص) را در حال طواف دید و... در نقل دیگری گفته می‌شود که خدیجه به تنهایی به ورقه مراجعه نمود و در نقل دیگر آمده که خدیجه، پیامبر(ص) را به همراه خود نزد ورقه برد و در نقل دیگری گفته شده که ابوبکر بر خدیجه وارد گردید و از وی خواست تا محمد(ص) را نزد ورقه ببرد. (طبری، ۱۴۱۲ق: ۳/۳۲۲)

حتی اگر داستان ملاقات پیامبر(ص) با ورقه بن نوفل در هنگامه بعثت را با تسامح بپذیریم، این موضوع هرگز نمی‌تواند دلیلی بر این اتهام باشد که رسول خدا(ص) معارف عمیق قرآنی را از وی آموخته باشد، بلکه در این داستان، آشکارا سخن از گواهی دادن ورقه بن نوفل به نبوت و عظمت حضرت ختمی مرتبت است.

آیا تورات صلاحیت دارد که از آن اقتباس شود؟

با مقایسه بین متن تورات و داده‌های علمی و تجزیه و تحلیل تاریخ و تمدن اسرائیلی‌های باستان و همسایگان فلسطینی، فنیقی، آرامی و اقوام دیگر، دانشمندان به عدم صحت بسیاری از داستان‌های کتاب مقدس پی بردند و دریافتند که بسیاری از وقایع تاریخ کتاب

مقدس اصلاً رخ نداده اند، نه در مکان، و نه به شیوه و توصیفاتی که در کتاب مقدس یهودیان نقل شده است. همه اینها باعث درگیری علما و مفسران تورات می شود، زیرا در نظر علما غیرقابل قبول است که وحی الهی در مورد چیزی صحبت کند که درست نیست، در حالی که مفسران تورات بر اعتبار آن اصرار دارند. (اسرائیل فینکلشتاین و نیل اسیر سیلبرمن، ۲۰۰۵: ۲۸) مطابق نظر منتقدان و پژوهشگران، تورات به صورت قطعی و نهایی به دست موسی تدوین نیافته است، بدیهی است که کتابی که درباره مرگ موسی سخن گفته (تورات سفر تثئیه) نمی تواند از خدا به موسی وحی شده باشد و نیز ادبیات رایج در تورات، ادبیات روایی و معمولاً به صورت سوم شخص است (هیوم، ۱۳۶۹: ۳۵۲)

مسلمانان تورات اولیه را که خدا بر پیامبرش موسی (ع) نازل کرده است، تصدیق می کنند و تورات های دیگر مانند تورات فعلی را به رسمیت نمی شناسند و ملزم به اعتقاد به آن نیستند زیرا با روح وحی الهی مغایرت دارد،

و اسفارخمسه اولیه به موسی (ع) منتسب نیست، یعنی: پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تثئیه. و اما کتابهای دیگر، مانند اسفار انبیا و دیگر کتابهای یهود، حتی تورات منسوب به موسی را بعضاً انکار کرده اند، برای مثال تسدال سفر تکوین را انکار می کند، زیرا این کتاب در حدود سال ۲۲۰ میلادی نوشته شده است؛ و برخی دیگر از دستبرد تحریف در امان نمانده اند. آنچه حاکی از فقدان نسخه اصلی تورات موسی است، این است که موسی وقتی تورات را نوشت و آن را با دو لوح در تابوت قرار داد، تابوت را پیشاپیش ارتش در نبردها قرار می دادند و از آن مدد می جستند. پس از آن، فساد و فتنه زیادی در بنی اسرائیل ظاهر شد تا اینکه دوران سلیمان (ع) فرا رسید و تابوت پس از قرار گرفتن در معبد، باز شد؛ اما نسخه تورات در آن یافت نشد و فقط دو لوح سنگی یافت شد.

پس از سلیمان، وقایع شگفت انگیز دینی بسیاری رخ داد که منجر به ارتداد و بت پرستی و پرستش خدایان اقوام مجاور شد؛ تا آنجا که در محوطه بیت المقدس محرابی مخصوص بتها ساخته شد؛ پس از آن یوشیا با نشستن بر مسند حکومت و قضاوت، ادعای پیروی از تورات کرد و پس از ۱۷ سال کشیش وی، حوقیا ادعا کرد که یک نسخه از تورات را با الهام دریافت کرده است و آن را به نویسنده، شاول داد. این نشان دهنده

بطلان این ادعاست، زیرا تصور نمی‌شود که هفده سال یک نسخه از تورات در اورشلیم وجود داشته باشد و تا زمانی که حوقیا آن را کشف نکرده، کسی آن را ندیده باشد. بنابراین، محققان معتقدند که حوقیا کتابهای تورات را از ذهنیات خود و آنچه از دهان مردم شنیده است، نگاشته است، تا اینکه ویل دورانت گفت: از شریعت موسی چیزی جز ده فرمان باقی نمانده است (سلیمانی اردستانی، ۱۳۹۸: ۱۳) بلکه همان تورات فعلی نشان می‌دهد که این برای موسی نیست، همانطور که در کتاب تثنیه آمده است. مثالهای زیادی غیر از اینها وجود دارد که اگر کتابهای موسی را رها کنیم و به بقیه کتابهای عهد عتیق نگاه کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که مدتها پس از صاحبان آنها نوشته شده است. مثلاً سفر یوشع توسط ارمیا نوشته شده است و تقریباً هشت قرن بین آنها فاصله است و بعضی آن را تصنیف ساموئل و عده ای تصنیف افنیحاس می‌دانند و در مورد سفر قضاات، برخی از نویسندگان غربی آن را به حزقیال نسبت می‌دهند و برخی دیگر آن را به عزرا و گروه سوم آن را به لفنیحاس و بین عزرا و فنیحاس بیش از نه قرن نسبت می‌دهند.. در مورد بقیه سفرها هم به همین ترتیب می‌توان گفت

بهتر است این موضوع را توسط ویل دورانت خلاصه کنیم، جایی که او گفت: «دانشمندان اتفاق نظر دارند که قدیمی ترین کتاب های تورات به عنوان کتاب پیدایش نوشته شده اند و برخی از آنها در یهودا و برخی دیگر در اسرائیل تألیف شده اند. سپس بین آنچه که پس از سقوط دو کشور یهودیان در اینجا و آنجا نوشته شده بود، توافق حاصل شد و نظر غالب این است که کتاب تثنیه توسط عزرا نوشته شده است و به نظر می‌رسد که پنج شکل کتابهای تورات، تقریباً در حدود سال ۳۰ قبل از میلاد مسیح شکل گرفت.» (هاکس، ۱۹۷۸: ۳۵۷) لذا می‌توان نتیجه گرفت که اصولاً تورات صلاحیت اقتباس از آن را ندارد.

نتیجه گیری

با انجام تحقیق و پژوهش های مبتنی بر روش علمی در خصوص ادعاهای مطرح شده توسط مستشرقان که مبتنی بر تحقیقات روشمند از تاریخ و سیره و سنن پیامبر اسلام (ص) می باشد و همچنین با تکیه بر منطق و مقدمات عقلی به این نتیجه رسیدیم که ادعای مطرح شده در خصوص اقتباس قرآن از تورات یک ادعای غلط، نادرست و مبتنی بر پیش فرض های غیر واقعی در جهان غرب است.

اسلام به عنوان دین کامل و جامع و پیامبر اکرم (ص) به عنوان خاتم پیامبران، مواهب خدادادی برای هدایت بشر پس از ادیان الهی دیگر است. این دین و این پیامبر به وجود معجزه ای جاودان از جنس بیان به نام قرآن کریم مزین شده اند و همانطور که این دین، پیروانی فداکار و مومن دار؛ از ابتدای نزول، دشمنانی نیز با آن روبرو شده اند که اقسام و انواع دشمنی ها را در قالب سخت و نرم داشته اند که ادعای اقتباس قرآن از تورات از این جمله است.

وقوع جنگ صلیبی و مراودات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی غرب با جهان اسلام، پای محققان و مبلغان مسیحی را به جوامع اسلامی باز کرد مستشرقان با انگیزه های گوناگون علمی، فرهنگی، تبشیری و سیاسی شروع به اسلام شناسی کردند. وقوع اصلاحات سیاسی - اجتماعی در قرون اخیر در غرب و انزوای کلیسا و شکست آن در مقابل رنسانس علمی نیز به ایجاد نهضت نقد و بررسی متون دینی با رویکرد تاریخی منجر شد که هیچ یک از متون دینی از تیغ آن در امان نماند. ترجمه قرآن در غرب روزنه ای برای ورود به مطالعات اسلامی ایجاد کرد و نگرش آنها به وحی در قالب تجربه شخصی و حاصل نبوغ و مکاشفه های بشری در برهه ای از تاریخ، اصل پذیرفته شده یک محقق غربی برای ورود به تحقیقات دینی بود. فارغ از انگیزه ها و نیات شوم محافل استعماری در مواجهه با قرآن کریم، مطالعات مسیحی، یهودی و اسلامی غالب مستشرقان، ذهن آنان را به مشترکات و مشابهات ادیان سوق داد؛ که منتج به شبهه اقتباس قرآن از آن کتابها گردید. اما آنچه فراموش شد؛ تفاوت قرآن با دیگر کتابها بود و با بررسی همه ادعاها در برهه های مختلف تاریخی مشاهده می شود که فاقد دلایل علمی و تاریخی و منطقی درست و

صحیح می‌باشند. تفاوت طرح ادعای مشرکین و مستشرقان تنها در ظاهر آن دیده می‌شود. علی‌رغم طرح این مسائل در محیط‌های آکادمیک در قرون اخیر پس از بررسی به همان لایه‌های تهی از استدلال جاهلیت می‌رسیم که با پوشش تحقیقات دانشگاهی آراسته شده‌اند. مستشرقان پیش‌فرض‌هایی برای این ادعای خود قائل شده‌اند که هیچ‌کدام از آنها در برابر نقد علمی دوام نمی‌آورند.

مهمترین پیش‌فرض‌های مدعیان اقتباس در حوزه تاریخی باسواد بودن پیامبر(ص)، در دسترس بودن ترجمه تورات، وجود معلمان بشری و وجود شفاهی تعلیمات یهودی بودند که هیچ‌کدام از آنها مستندات علمی و منطقی ندارند. در بحث دلایل متنی، آنچه مدعیان به آن استدلال می‌کنند، شباهت‌هاست، اما هیچ‌کدام از مدعیان نتوانسته‌اند اشتباه و یا ضد و نقیض‌هایی واقعی در قرآن بیابند و یا مخالفتی با علم در آن پیدا کنند. مشکل دیگر مستشرقان، توجه نکردن آنها به تفاوت‌های قرآن و کتاب مقدس می‌باشد؛ چرا که بر خلاف متن موجود تورات، همه قرآن کلام خداست که کم و زیاد نشده است؛ در حقیقت مستشرقان ادعای اقتباس یک کتاب روشن و مستند، با تاریخ تدوین و نزول معلوم و درخشان و مطابق با یافته‌های قطعی، از یک کتاب تحریف یافته با نویسندگان بشری و محتوای سراسر ضد و نقیض و ضد علمی را دارند. در تعریف اقتباس گفته شده که اقتباس یا نقل محتوا از متنی با همان الفاظ است و یا همان محتوا با الفاظ شخص مقتبس، اما اگر متن جدید محکم‌تر، زیباتر و در خیلی جهات متفاوت‌تر و عالی‌تر از متن قبلی باشد و انحرافات متن اول را برطرف و تصحیح کند، این دیگر اقتباس نیست.

فهرست منابع

«قرآن مجید»

- ۱) «کتاب مقدس، عهد قدیم و عهد جدید»
- ۲) ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، چاپ سوم، ج ۳. دارالصادر، بیروت
- ۳) ایازی، سید محمد علی (۱۳۸۰ ق)، قرآن و فرهنگ زمانه، انتشارات کتاب مبین، تهران
- ۴) اسرائیل ولفسون (۱۹۲۷م)، *تاریخ اليهود فی بلاد العرب*، مؤسسه النشر، قاهره
- ۵) اسرائیل فینکلشتاین و نیل اسیرسیلیرمن (۲۰۰۵)، *تورات یهودی نازل شده برای آنچه هست*، ترجمه از انگلیسی: سعد رستم، چاپ اول، دارالاول، دمشق
- ۶) بلاشر، رژی (۱۳۷۶)، *در آستانه قرآن*، مترجم: رامیار، محمود، چ پنجم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران
- ۷) بل، ریچارد، (۱۳۸۲)، *درآمدی بر تاریخ قرآن*، ترجمه بهالدین خرم شاهی، مرکز ترجمه قرآن به زبان های خارجی، قم
- ۸) توفیقی، حسین (۱۳۸۵ش)، *آشنایی با ادیان بزرگ*، چاپ هشتم. انتشارات سمت، تهران
- ۹) جواد علی (۱۹۷۰م)، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، دارالعلم للملایین، مصر
- ۱۰) خرمشاهی، بهاء الدین؛ (۱۳۸۹)، *قرآن پژوهی ج ۱*، چاپ چهارم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران
- ۱۱) ----- (۱۳۷۴)، *بازتاب فرهنگ زمانه در قرآن کریم*، نشریه بینات، شماره ۵
- ۱۲) دسوقی، محمد (۱۳۸۰)، *سیر تاریخی و ارزیابی اندیشه شرق شناسی*، ترجمه محمود رضا افتخارزاده چاپ دوم، هزاران
- ۱۳) زمانی، محمد حسین (۱۳۸۶ش)، *شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان*، چاپ دوم، بوستان کتاب، قم
- ۱۴) سالم الحاج (۲۰۰۲م)، *نقد الخطاب الاستشراقی، بنگازی - دارالمدار الاسلامی، لیبیا، الطبعة الاولى.*
- ۱۵) سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم (۱۳۷۹)، *تقادی کتاب مقدس، دو فصلنامه هفت آسمان*،

شماره ۸، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم

- ۱۶) ----- (۱۳۹۸)، کتاب یهودیت، چاپ دوم، نشر طه، قم
- ۱۷) شاکر، محمد کاظم؛ (۱۳۸۹) «سیر تحول دیدگاه‌های خاورشناسان در مورد مصادر قرآن» مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث، ش ۱، سال ۴۳
- ۱۸) عامری، سامی (۲۰۱۰م.)، فرهنگ لغت اسلام، به نقل از توماس پاتریک هیوز، لندن
- ۱۹) ----- (۲۰۱۰م.)، نقل قول های انجیلی عبدالله مسلم بن قتیبه و منبع آنها، به نقل از آلبرت استیرو، نسخه خطی
- ۲۰) طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، چاپ اول، دارالمعرفه، بیروت
- ۲۱) مارتین، ریچارد (۱۳۷۷) اعجاز قرآن، سید رضا مودب، نشریه قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره بهمن و اسفند
- ۲۲) مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- ۲۳) مطبقانی، مازن صلاح (۲۰۰۵م)، المؤتمرات الاستشراقیه الحدیثه حول الاسلام و المسلمین، مکتبه الدین
- ۲۴) معارف، مجید و همکاران، (۱۳۹۰) نقد دیدگاه خاورشناسان درباره تاثیرپذیری قرآن از کتاب مقدس، دو فصلنامه کتاب قیم دانشگاه میبد
- ۲۵) نویورت، آ، (۱۳۹۳) دوچهره از قرآن، ترجمه مهدی عزتی آراسته، نیم سال نامه تفسیراهل بیت (ع)، دوره ۲، شماره ۱،
- ۲۶) هاگس، جیمز (۱۳۸۳)، قاموس کتاب مقدس، ترجمه میرزا اسماعیل صدیق نودری، چ دوم، انتشارات اساطیر، تهران
- ۲۷) همتی گلپیان، عبدالله، (۱۳۸۶)، تاریخچه شرق شناسی کاوشی در سیر مطالعات اسلامی در غرب، نشر جهاد دانشگاهی، مشهد.
- ۲۸) هیوم، رابرت (۱۳۶۹)، ادیان زنده جهان، چ ۱. ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.